

ندارد؛ اما واقعیت طبیعی را مستقل از آن می‌توان شناخت و راه آن فقط تجربه است. اگر راه‌هایی غیر از این هم وجود داشته باشد، بر معرفت علمی اثری ندارد و...

می‌توان گفت رویکرد مدرن در حوزه ارزش‌ها و تجویزها «این‌جهانی» یعنی «سکولار» است و هدف آن «تسلط» بیشتر بر این جهان و «تمتع» بیشتر از آن است. با این هدف، قبض و بسط - یعنی تسلط و تمتع کمتر یا بیشتر - معنا خواهد داشت و توسعه نیز در این مسیر معنا می‌یابد. این معنای توسعه که ناظر به کثرت دنیایی و این‌جهانی است، همان چیزی است که در تعابیر آیت‌الله جوادی آملی از آن با عنوان «توسعه تکثری» یاد شده است.

به هر حال علم و عقلانیت مدرن که در خدمت این گونه از توسعه قرار می‌گیرد، دانش تجربی است که گزاره‌های ارزشی سکولار بر آن حاکم است و عقبه‌ای از گزاره‌های متافیزیکی و معرفت‌شناختی را نیز درون خود دارد. بدین ترتیب اگر هر یک از این گزاره‌ها زیر سؤال برود، ساختار معرفت مدرن به چالش کشیده می‌شود. پس علم تجربی مدرن هم از جهت ارزش‌ها و تجویزهایی که بر آن حاکم است و هم از لحاظ ساختار درونی معرفت خود، بر گزاره‌های دیگری مبتنی است و بدون آن‌ها نمی‌تواند قدم از قدم بردارد.

نقد بنیادهای عقلانیت غربی

این واقعیت که عقلانیت مدرن وابسته به گزاره‌های شناختی ویژه‌ای است، تا مدت‌ها در میان عالمان علوم تجربی مورد غفلت بود. طی قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰، آن‌ها فکر می‌کردند که این علم تنها در حوزه تجویزها و ارزش‌ها به عواملی که بیرون از آن هستند، وابسته است، اما در زمینه شناخت و حوزه تبیین، مستقل عمل می‌کند. البته ماکس وبر شخصاً هم به مبادی ارزشی و هم به مبادی متافیزیکی علم توجه داشت اما کمتر به آن حوزه پرداخت؛ همچنان که جامعه علمی به این بخش از نظرات وی کمتر توجه نمود. در واقع وبر ساختار درونی معرفت علمی را نیز مستقل نمی‌داند و معتقد است که این عقلانیت به جایی فراتر از خود وابسته است. این گونه مسائل در «حلقه وین» مورد توجه نظریه‌پردازان نبود. اگرچه با گذشت زمان، این خلأ به تدریج در آن‌جا نیز احساس شد و مشکلات معرفتی خود را نشان داد. این مباحث سرانجام از نیمه دوم قرن ۲۰ به بعد،

برخی اموری که عقلانیت از آن‌ها بهره می‌برد، مربوط به ارزش‌هایی است که در جهت آن‌ها کار می‌کند و برخی دیگر مبادی نظری‌ای است که در ساختار درونی خود بر روی آن‌ها نشسته است. سنخ اول این مبادی به صورت گزاره‌های ارزشی بیان می‌شوند و سمت‌وسوی استفاده از علم را تعیین می‌کنند. اما سنخ دوم مبادی‌ای هستند که به صورت گزاره‌های شناختی در آمداند.

در واقع برخی اموری که عقلانیت از آن‌ها بهره می‌برد، مربوط به ارزش‌هایی است که در جهت آن‌ها کار می‌کند و برخی دیگر مبادی نظری‌ای است که در ساختار درونی خود بر روی آن‌ها نشسته است. سنخ اول این مبادی به صورت گزاره‌های ارزشی بیان می‌شوند و سمت‌وسوی استفاده از علم را تعیین می‌کنند. اما سنخ دوم مبادی‌ای هستند که به صورت گزاره‌های شناختی در آمداند؛ مانند این که آیا واقعیتی خارج از حوزه ادراک انسان وجود دارد؟ اگر واقعیت وجود دارد، محدود به طبیعت است یا واقعیت‌های متافیزیکی و فوق طبیعی را هم شامل می‌شود؟ اگر واقعیت‌ها محدود به طبیعت نیستند، حوزه‌های فیزیک و متافیزیک در عرض هم هستند یا در طول و مرتبط به هم؟ اگر این ارتباط پیوسته و طولی باشد، آیا به صورت دو امر مستقل از هم است یا یکی از این‌ها هیچ استقلال نسبی به دیگری ندارد؛ به گونه‌ای که مستقل دیدن، مانع شناخت درست آن می‌شود؟ واقعیت مستقل از ذهن انسان متکثر است یا وحدت دارد؟ اگر متکثر است، کثرت محض است یا کثرتی که با وحدت قرین است؟ آیا ارتباط علی در متن این واقعیت هست یا پیوندها از ناحیه ذهن انسان بر آن‌ها تحمیل می‌شود؟ انسان این روابط را کشف می‌کند یا جعل می‌نماید؟ اگر روابط علی وجود دارد، در محدوده امور طبیعی و فیزیکی است یا بین ابعاد فیزیکی و فوق طبیعی هم وجود دارد؟ البته گزاره‌های ارزشی و هنجاری که سمت‌وسوی استفاده از علم تجربی را تعیین می‌کنند نیز در جای خود می‌توانند محل بحث قرار گیرند: آیا حوزه ارزش‌ها و تجویزها از ملاک و معیار حقیقی برخوردار است یا صرفاً به خواسته‌ها و اراده‌های انسان بازمی‌گردد و نفس‌الامر و حقیقتی فراسوی آن نیست؟ آیا بین حوزه ارزش‌ها و گزاره‌های ارزشی با گزاره‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی پیوند منطقی وجود دارد؟ حقیقت این پیوند چیست و دهه‌ها گزاره و پرسش دیگر...

وقتی به مطالعه تجربی عالم طبیعت می‌پردازیم، چه بدانیم چه ندانیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم، به همه این گزاره‌ها پاسخ داده‌ایم و برخی از آن‌ها را انتخاب کرده‌ایم. وقتی جامعه مدرن وارد عرصه علوم ابزاری می‌شود، پیشاپیش به این مجموعه پرسش‌ها پاسخ داده است. برای نمونه وقتی که در چهارچوب علم تجربی می‌خواهیم چیزی را بشناسیم و قصد کشف مناسبات و روابطی که در میان پدیده‌ها هست را داریم، پذیرفته‌ایم که واقعیتی طبیعی وجود دارد و قابل شناخت است. همچنین پذیرفته‌ایم که یا واقعیت فوق طبیعی وجود دارد یا

بررسی مسأله

پیش از ورود به هر بحثی، ایضاح مفهومی زمینه را برای هرگونه سوء فهم و سوء برداشت خواهد بست. برای مثال واژه عقل و عقلانیت چنان گسترده و متفاوت به کار می‌رود که هر کسی مدعی داشتن آن است. از این رو نخستین گام در این بحث توضیح مفهومی «عقل» است. برای این منظور مناسب است در ابتدا مقصود خویش را از «عقلانیت» و همچنین «توسعه» بیان کنیم.

مقصود از عقلانیت اسلامی^۳ قوه‌ای در نهاد انسان است که وظیفه درک و فهم را بر عهده دارد. از این نعمت الهی در روایات اسلامی به «رسول باطنی» تعبیر شده است. ۴ مراد از عقلانیت، عقلی است که از گزند وهم، خیال، قیاس و گمان مصون است. (منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۳۱) عقلانیت اسلامی دارای مراتب است و در یک مرتبه از آن، عقل تجربیدی قرار دارد که شناخت هستی و واقعیات

ما از عقلانیت مدرن، به عنوان عقلانیت «بین‌راه» یاد می‌کنیم؛ زیرا اگرچه گونه‌ای از تلاش علمی انسان برای شناخت عالم است اما از پایگاه و دیدگاه ویژه‌ای رخ می‌دهد. این تلاش انسانی است که به لحاظ ارزشی، رویکرد دنیایی و این‌جهانی دارد؛ و به لحاظ شناختی نیز مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دنیوی و این‌جهانی را پذیرفته و آنچنان این مبادی برای مسلم و عام است که به چشمش نمی‌آید. انسان مدرن فکر می‌کند نگرش علمی مبادی خاصی ندارد اما چه بداند و چه نداند، در فضای آن مبادی تنفس می‌کند.

را برای انسان به ارمغان می‌آورد. (همان، صص ۲۸-۲۵). دین نیز مجموع عقاید، اخلاق، احکام فقهی و حقوقی است که از راه عقل و نقل به دست می‌آید. عقل و نقل هر دو از رهاورد وحی حکایت می‌کنند. (همان، ص ۶۲) از سوی دیگر می‌توان توسعه را به هرگونه برنامه برای خروج از وضعیت فعلی و دست‌یابی به وضعیت مورد نظر بر اساس اهداف خاص که ناظر به زندگی انسان است، تعریف کرد. این برداشت از عقلانیت نه تنها «تابعی از فرهنگ» نیست؛ بلکه زیربنا و اساس شکل‌گیری فرهنگ می‌باشد. اما هرگونه تعریف، برداشت و الگویی برای توسعه، در گرو فرهنگی است که پشتوانه آن را تشکیل می‌دهد. حال باز می‌گردیم به پرسش نخست، عقلانیت اسلامی در مواجهه با مفهوم توسعه چه هدیه‌ای برای انسان معاصر به ارمغان می‌آورد؟ یکی از نکات مهم در بررسی مسأله توسعه، تعریف انسان است. چپستی، شرایط و قلمرو توسعه به نگاه